

بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان به وندالیسم (مورد مطالعه: دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران)

مطالعات جامعه‌شناختی

(علمی - پژوهشی)

دوره ۲۳، شماره دو: ۴۳۱-۴۰۵

شاپا ۲۸۰۹-۱۰۱۰

نمایه در ISC

ایوب سخایی^۱

دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه کاشان

مهران سهراب‌زاده

عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان

سیدسعید حسینی زاده آرانی

دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه کاشان

دریافت ۹۵/۷/۳۰

پذیرش ۹۵/۱۲/۱۷

چکیده

این مطالعه با هدف بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان به وندالیسم انجام شده است. نوع پیمایش و ابزار مورد استفاده در جمع‌آوری داده‌ها در پژوهش حاضر، پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته می‌باشد. جامعه‌ی آماری، دانش‌آموزان مقطع دبیرستان شهر تهران و حجم نمونه، بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر می‌باشد که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و تصادفی انتخاب شده‌اند. چارچوب نظری پژوهش حاضر را نظریات ناکامی منزلتی کوهن، فرهنگ طبقه‌ی پایین میلر، بی‌هنجاری آنومی، همنشینی افتراقی ساترلند، نظریه آنومی و ساختار خانواده و جامعه‌پذیری تشکیل داده‌اند. به منظور سنجش روایی پرسشنامه از روش روایی صوری و تکنیک تحلیل عاملی استفاده شده است و به منظور بررسی پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار Spss و Lisrel صورت گرفت و به منظور بررسی عوامل مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان به وندالیسم از آزمون همبستگی پیرسون و مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد که متغیرهای احساس محرومیت نسبی، احساس بی‌هنجاری و همنشینی با همسالان بزهکار رابطه معکوس و معناداری با گرایش دانش‌آموزان به وندالیسم دارد و متغیرهای پایگاه اقتصادی - اجتماعی و جامعه‌پذیری رابطه مستقیم و معناداری با گرایش دانش‌آموزان به وندالیسم دارد. همچنین نتایج حاصل از مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان داد که ۲۴ درصد از تغییرات گرایش دانش‌آموزان به وندالیسم توسط مجموع متغیرهای مستقل تبیین می‌شود.

کلیدواژه‌ها: وندالیسم، احساس محرومیت، احساس بی‌هنجاری، همنشینی با همسالان بزهکار، جامعه‌پذیری

^۱پست الکترونیکی نویسنده مسئول: Sakhaei84@yahoo.com

بیان مسئله

امروزه با گسترش انقلاب صنعتی در اروپا و سایر نقاط جهان، توسعه‌ی زندگی شهری و گسترش بی‌رویه‌ی مهاجرت از روستاها به شهرهای بزرگ، افزایش حاشیه‌نشینی، فراوانی مشکلات اقتصادی-اجتماعی و جوان‌بودن درصد بالایی از افراد جامعه، دامنه‌ی بسیاری از آسیب‌های اجتماعی، به لحاظ کمی و کیفی افزایش یافته است و زمینه‌ی مناسبی برای ابتلا به انواع رفتارهای انحرافی و بزهکارانه، به‌ویژه برای قشر دانش‌آموز و جوان، فراهم شده است. بزهکاری دانش‌آموزان در گونه‌ها و صور مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نمایان می‌شود که در این تحقیق، صورت اقتصادی بزهکاری دانش‌آموزان که در عرصه‌ی بزه بر ضد اموال عمومی جلوه می‌کند، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در مباحث آسیب‌های اجتماعی، از این نوع رفتار بزهکارانه تحت عنوان پدیده‌ی «وندالیسم»، به‌عنوان یکی از اشکال جدید بزهکاری در میان دانش‌آموزان در چند دهه‌ی اخیر، یاد می‌شود.

در منابع مربوط به انحرافات اجتماعی، وندالیسم به مثابه نوعی بزه و از انواع جرائم خرد مطرح شده است. بنابراین، وندالیسم پدیده‌ای اجتماعی است که امروزه، با توسعه‌ی صنعت در کشورهای مختلف جهان و با انتقال عوارض آن و گسترش شهرنشینی، به یک پدیده‌ی جهانی تبدیل گشته است. در همه‌ی جوامع، وندالیسم در مورد افرادی به کار می‌رود که به تخریب اموال عمومی در شکل‌های مختلف آن دست می‌زنند. از این‌رو، بر اساس شواهد موجود در جهان و کشور ما، موضوعات مختلفی در معرض حمله و تخریب عمدی وندالها قرار دارند. در این میان، مدارس، وسایل حمل‌ونقل عمومی، ورزشگاه‌ها، پارک‌ها و خوابگاه‌ها بیشترین خسارت‌ها را در حمله‌ی وندال‌ها به خود می‌بینند و میزان این خسارت‌ها نسبت به چند دهه‌ی پیش روندی صعودی داشته است. به‌عنوان مثال، مسئولان متروی پاریس، فقط در سال ۱۹۸۹ برای تعمیر و بازسازی صندلی‌هایی که مسافران مترو پاره کرده بودند، ۱۸ میلیون فرانک خرج کرده‌اند. شرکت اتوبوسرانی پاریس نیز شکایت دارد که هر سال خرابکاران دست‌کم ۵۰۰۰ شیشه‌ی اتوبوس را در ایستگاه‌ها با تفنگ و سنگ و ... می‌شکنند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۳۹).

وندالیسم یک روش قابل قبول برای افراد در ابراز سرخوردگی، انتقام گرفتن، نشان دادن خشم، ایجاد هیجان برای یک وضعیت کسالت‌آور و یا جلب توجه برای موضوعی خاص می‌باشد

(گارت ایسو^۱، ۲۰۰۷: ۱۰۴) که بسیاری از افراد آن را جرمی بسیار جدی برای جوانان تلقی می‌کنند؛ این جرم منجر به ایجاد خساراتی برای افراد می‌شود و هیچ سود مادی برای عاملان آن ندارد. کوهن یک طبقه‌بندی کلی از پنج نوع وندالیسم ارائه داده است: (۱) وندالیسم اکتسابی: فرد برای به‌دست‌آوردن پول و اموال مرتکب این نوع وندالیسم می‌شود؛ (۲) وندالیسم ماهرانه: فرد به صورت آگاهانه، برای رسیدن به اهدافی مثل ترویج یک ایدئولوژی یا جلب توجه به خاطر دلایل مختلف، مرتکب وندالیسم می‌شود؛ (۳) وندالیسم کینه‌جویانه: فرد برای انتقام یا تلافی مرتکب وندالیسم می‌شود؛ (۴) وندالیسم مخرب: فرد به خاطر تفریح و کسب لذت از طریق تخریب اموال، به وندالیسم روی می‌آورد؛ (۵) وندالیسم نمایشی: فرد مرتکب عمل وندالیستی می‌شود، نه با هدف تحمیل خسارت و آسیب‌رساندن، بلکه برای نشان‌دادن مهارت و قدرت. ساندرز معتقد است اکثر وندال‌ها در سنین دانش‌آموزی یا جوانی قرار دارند (ساندرز، ۱۹۸۱: ۱۳۹ به نقل از علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۲).

خرابکاری را می‌توان جزء بزهکاری‌های ملایم به حساب آورد که معمولاً از دید مراجع قضایی قابل‌اغماض و چشم‌پوشی است (مجبی، ۱۳۸۲: ۸). متأسفانه آمار دقیقی از هزینه‌ها، رفتارها و نمونه رفتارهای وندالیستی در کشور وجود ندارد. از سویی دیگر، آگاهی و شناخت ناکافی از این پدیده‌ی اجتماعی، که نتیجه‌ی فقر پژوهشی در این زمینه است، باعث شده است که مسئولان، برنامه‌ریزان آموزشی و متولیان امور اجتماعی نتوانند از بروز رفتارهای وندالیستی پیشگیری و یا آن را درمان کنند (مجبی، ۱۳۸۲: ۳۹). وندالیسم نه تنها به‌عنوان کجروی و رفتاری بزهکارانه، بلکه به مثابه معضل یا مسئله‌ای اجتماعی در بسیاری جوامع از سوی صاحب‌نظران و آسیب‌شناسان مطرح شده است. (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۳۴). هرساله خسارت‌های جبران‌ناپذیری به امکانات آموزشی وارد می‌شود و از آنجاکه هیچ‌گونه برآورد و محاسبه‌ای در این خصوص انجام نمی‌شود، به صورت نامحسوس است. بنابراین، شناسایی رفتار تخریبی در محیط آموزشی و اقدام پیشگیرانه از بروز این گونه رفتارها، تاحدودی می‌تواند مشکلات مکان‌های آموزشی را مرتفع سازد و از نظر آموزشی محیط‌های سالمی را برای تربیت دانش‌آموزان و نسل آینده به وجود آورد؛ لذا مطالعه‌ی وندالیسم به‌عنوان یک آسیب جدی اجتماعی در میان نوجوانان اهمیت دارد؛ چراکه قشر نوجوان، در سنین تحصیل به‌خصوص

مقطع متوسطه و شناخت عوامل مؤثر بر بروز این گونه رفتارها در بین آنها می‌تواند بستر مناسبی را برای کاهش این رفتارها را در بین آنها فراهم آورد. لذا این پژوهش درصدد است اولاً مشخص کند گرایش دانش‌آموزان به وندالیسم متأثر از کدام عوامل جامعه‌شناختی است؟ و ثانیاً، در راستای عوامل شناسایی‌شده، با ارائه‌ی چه راهکارهایی می‌توان بستر مناسبی را برای کاهش این‌گونه رفتارها فراهم کرد؟

پیشینه‌ی تحقیق

در زمینه‌ی احساس گرایش به وندالیسم و عوامل مؤثر بر آن، پژوهش‌های معدودی انجام شده است که تقریباً همگی به دنبال بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به وندالیسم می‌باشند و درصدد مشخص کنند که این عوامل چند درصد از گرایش افراد به وندالیسم را تبیین می‌کنند. در ادامه و در قالب جدول شماره (۱)، به تحقیقاتی که مشابه با عنوان و هدف تحقیق حاضر هستند، اشاره و نتیجه‌ی آنها گزارش شده است.

جدول (۱) پیشینه‌ی داخلی و خارجی مطالعات مرتبط با عوامل مؤثر بر وندالیسم

محقق	عنوان	یافته‌های پژوهشی
مطلق و ندری (۱۳۹۲)	بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان پسر به وندالیسم در محیط مدارس	وضعیت اقتصادی، پایین‌بودن سطح تحصیلات والدین، جدایی والدین، خشونت در خانواده، سابقه‌ی مجرمیت والدین، معاشرت با دوستان بزهکار، تبعیض، عدم‌رعایت قوانین، عدم‌شرکت در فعالیت‌ها، عدم‌احساس تعلق و فقر فرهنگی، با گرایش دانش‌آموزان به وندالیسم رابطه‌ی معناداری دارد.
نواح و کوپایی (۱۳۹۱)	عوامل اجتماعی و شخصیتی مؤثر بر گرایش به وندالیسم	اجتماعی‌شدن در خانواده و اجتماعی‌شدن توسط گروه همسالان تأثیرگذارترین عوامل گرایش به وندالیسم می‌باشند.
حیدری و پارسامهر (۱۳۹۱)	بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر وندالیسم	متغیرهای وضعیت تحصیلی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، ارتباط با افراد بزهکار، احساس بی‌قدرتی، احساس محرومیت نسبی، احساس انزوای اجتماعی و احساس بی‌هنجاری، ۴۱ درصد از گرایش جوانان به وندالیسم را پیش‌بینی می‌کند.

ادامه جدول (۱) پیشینه‌ی داخلی و خارجی مطالعات مرتبط با عوامل مؤثر بر وندالیسم

محقق	عنوان	یافته‌های پژوهشی
	بررسی عوامل اجتماعی	
میرفردی و همکاران (۱۳۹۱)	مؤثر بر گرایش به وندالیسم در بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهر یاسوج	با افزایش پایگاه اقتصادی-اجتماعی و افزایش سن، میزان گرایش جوانان به وندالیسم کاهش می‌یابد و متغیرهای مستقل این تحقیق ۲۵٪ از تغییرات گرایش جوانان به وندالیسم را تبیین می‌کند.
سیاهپوش و همکاران (۱۳۹۲)	بررسی عوامل اجتماعی در تبیین رفتارهای وندالیستی دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه شهر اندیمشک	بین میزان رفتارهای وندالیستی با متغیرهای میزان رضایت اجتماعی، احساس امنیت اجتماعی، میزان انسجام و همبستگی اجتماعی و نیازهای امنیتی رابطه‌ی منفی و معکوسی وجود دارد و بین متغیرهای ناکافی بودن ابزارهای تأمین امنیت و پایگاه اقتصادی-اجتماعی با میزان رفتارهای وندالیستی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. تحلیل رگرسیون نشان داد که متغیرهای مستقل، ۲۴٫۸٪ از تغییرات میزان وندالیسم را تبیین نموده است.
جب ^۱ (۲۰۰۹)	کنترل اجتماعی، بزهکاری و رفتارهای پرخطر	پیوندهای محکم اجتماعی مانع انحراف می‌شوند، درحالی‌که پیوندهای ضعیف انعطاف‌پذیری کمتری نسبت به انحراف دارند. به بیانی دیگر، هرچه انسجام و همبستگی بیشتر باشد، میزان انحرافات کمتر است.
متانی ^۲ و لوبوا ^۳ (۲۰۰۴)	فضای شهری و امنیت	شهرنشینی، ارتقاء امنیت و تغییر شرایط اجتماعی و فیزیکی، بر جرم و انحراف مؤثرند.

در راستای بررسی مطالعات داخلی و خارجی مرتبط با موضوع تحقیق حاضر می‌توان ذکر کرد که در وهله‌ی نخست، شواهد مطالعاتی حاکی از این هستند که پیرامون مسئله‌ی گرایش دانش‌آموزان به رفتارهای وندالیستی و عوامل مؤثر بر آن در محیط‌های کلانشهری، تاکنون مطالعات قابل توجهی صورت نگرفته است؛ ثانیاً مطالعات انجام‌شده، هرکدام بر جنبه‌ی خاصی از عوامل مؤثر بر رفتارهای وندالیستی متمرکز بوده‌اند. به‌عنوان مثال، برخی از مطالعات به نقش پایگاه اقتصادی-اجتماعی، برخی به پیوندهای افتراقی با افراد بزرگسال بزهکار، برخی به احساس بی‌هنجاری و احساس محرومیت و برخی به نحوه‌ی جامعه‌پذیری دانش‌آموزان در گروه

1 Jeb

2 Mtani

3 Lubuva

های خانوادگی و همسالان پرداخته‌اند. بدین لحاظ، هیچ‌یک از مطالعات به نحو جامعی عوامل مؤثر بر وندالیسم را مورد بررسی قرار نداده‌اند. لذا مزیت اصلی مطالعه‌ی حاضر نسبت به سایر مطالعات، ارزیابی جامع عوامل مؤثر بر رفتارهای وندالیستی دانش‌آموزان می باشد که به شکل جامع، موارد مذکور را در بر گرفته و به واسطه‌ی مدل‌سازی معادلات ساختاری، برازش مدل نظری و داده‌های تجربی را به ورطه‌ی آزمون گذاشته است.

مبانی نظری

نظریه‌ی آنومی و ساختار خانواده

ویلیام گود در این دیدگاه از مفهوم آنومی استفاده کرده و آن را به سطح خانواده تعمیم داده است. از نظر وی، خانواده کانون پرورش شخصیت فرد است و هرگونه اختلال در آن، به پدیدآمدن شخصیت بزهکار و منحرف منجر می‌گردد. از نظر ویلیام گود، خانواده وظیفی را در قبال فرزندان خود بر عهده دارد؛ از جمله تأمین نیازهای جسمی فرزندان، شناخت خود و کشف خویشتن، یادگیری (از طریق جامعه‌پذیری) و نقش خانواده به‌عنوان منبع رشد (محسنی تبری، ۱۳۸۳: ۷۰). از نظر گود، اگر اعضای خانواده نتوانند نقش خود را به خوبی ایفا کنند، در این نهاد گسیختگی یا آنومی به وجود می‌آید؛ شرایط آنومیک، ناشی از عوامل مختلفی است که به آنها اشاره می‌شود: ۱) نبود پدر و مادر به دلیل نامشروع بودن کودک، فوت، طلاق، زندانی بودن، جنگ و یا اشتغال بیش‌ازحد؛ ۲) وجود انواع بیماری و نقص عضو در والدین، اعم از جسمی و روانی، به گونه‌ای که قادر به ایفای نقش خود نباشند؛ ۳) وجود روابط ضعیف و غیرعاطفی در میان اعضای خانواده که گود از آن به‌عنوان «خانواده‌ی توخالی» نام می‌برد. وی معتقد است در این شرایط، اعضای خانواده از حمایت یکدیگر محرومند. وندالیسم را می‌توان مانند اعمال بزهکارانه‌ی دیگر، ناشی از این‌گونه شرایط آنومیک در خانواده‌ها دانست (گود، ۱۳۵۲: ۲۴۹).

نظریه‌ی جامعه‌پذیری

اساس جامعه‌پذیری بر این واقعیت استوار است که کودک انسان به صورت ارگانیسم به دنیا می‌آید و با اخذ و کسب مجموعه‌ای از نگرش‌ها، ارزش‌ها، تمایلات، بیزاری‌ها، هدف‌ها، مقاصد و مفهومی عمیق و ناپایدار از اینکه چه نوع شخصی است، به تدریج به موجودی انسانی مبدل می‌شود. او همه‌ی این ویژگی‌ها را از طریق فراگرد اجتماعی شدن به دست می‌آورد. این فرایند

یادگیری، او را از حالت حیوانی به شخصیت انسانی تغییر می‌دهد. به عبارت دقیق‌تر، هر فرد با فراگرد اجتماعی شدن، هنجارهای گروهی خود را می‌آموزد تا جایی که خودِ مشخصی که او را بی‌همتا می‌سازد پدید می‌آید (علاقه‌بند، ۱۳۸۰: ۱۰۰). رویکرد جامعه‌پذیری بر پیوند اجتماعی تأکید دارد. خانواده و جامعه، دو عامل مهم در ایجاد این پیوند هستند. در این رویکرد، جایگاه خانواده، آموزش و پرورش، رسانه‌ها و مقولات نظارت اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد (بخارایی، ۱۳۸۶: ۴۸۸). اگر خانواده، آموزش و پرورش و رسانه‌ها در جامعه‌پذیرکردن افراد دچار اختلال شوند و با یکدیگر تناسبی نداشته باشند، فرد به عمل انحرافی روی می‌آورد (میرفردی و همکاران، ۱۳۹۱).

نظریه‌ی همنشینی افتراقی ادوین ساترلند

ادوین ساترلند معتقد است که رفتار انحرافی، مانند سایر رفتارهای اجتماعی، از طریق همنشینی و پیوستگی با دیگران آموخته می‌شود. فرد بزه‌کار، انگیزه‌ها و گرایش‌های انحرافی را از طریق پیوستگی و ارتباط با دیگران فرا می‌گیرد. مردم به نسبت همنشینی و ارتباطی که با قانون‌شکنان دارند، کجرو می‌شوند. ادوین ساترلند رفتار بزه‌کارانه را ناشی از تماس با اشخاص در اثر فرایند یادگیری می‌داند؛ رفتار انحرافی از نظر وی، روانشناختی یا ارثی نیست، بلکه مردم در مصاحبت و معاشرت با هم‌نویان در طول یک جریان جامعه‌پذیری، طغیان و تخطی از هنجارها را آموخته و به سوی رفتار انحرافی کشانده خواهند شد. (مطلق و ندری، ۱۳۹۲).

نظریه‌ی بی‌هنجاری آنومی

دورکیم معتقد است که بررسی بزه‌کاری، مانند سایر امور اجتماعی، در قلمرو جامعه‌شناسی قرار دارد و اعتقاد دارد که جرم پدیده‌ای طبیعی و اجتماعی است؛ بنابراین، بزه‌کاری تابع عوامل اجتماعی است (آرون، ۱۳۷۷: ۳۶۷). بی‌هنجاری را می‌توان وضعیتی دانست که هنجار معینی در جامعه وجود ندارد که فرد از آن پیروی کند و او بی‌ریشه عمل می‌کند. این حالت هنگامی رخ می‌دهد که انتظارات فرهنگی، با واقعیات اجتماعی ناهماهنگ و ناسازگار است (کوئن، ۱۳۷۲: ۲۲۱).

مرتن بین بی‌هنجاری و انحرافات اجتماعی رابطه برقرار می‌کند. او دو عامل عمده را از مشخصات بارز هر جامعه می‌داند: یکی اهداف قابل‌پذیرش و دیگری وسایل مورد قبول اجتماع برای رسیدن به همان اهداف. به نظر وی، آنومی وقتی رخ می‌دهد که افراد قادر نباشند با

وسایلی که جامعه معین کرده است، به اهداف مربوط دست یابند و عکس‌العمل طبیعی به این وضعیت، روی آوردن به کجروی و انحراف است. (شکرریزی، ۱۳۷۶: ۴۳). اهمیت نظریه‌ی مرتن در آن است که او توجه خود را به جنبه‌های اجتماعی کجروی معطوف کرده است، نه شالوده‌ی بیولوژیک و فردی آن. بدین ترتیب، وندالیسم نیز همچون همه‌ی کژرفتاری‌های در اندیشه، در درون فرهنگ و ساختارهای اجتماعی پدید می‌آید؛ یعنی جامعه از طریق شکاف و نارسایی بین اهداف مقبول خود و روش‌های مقبول رسیدن به آن اهداف، فشار عظیمی را به فرد وارد می‌کند و او را به جای هم‌نوایی، به کجروی وادار می‌کند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۶۷).

نظریه‌ی ناکامی منزلتی کوهن

کوهن در نظریه‌ی ناکامی منزلتی به مطالعه‌ی جوانان در محیط طبیعی زندگی توجه می‌کند که جرایم آنان از سه جهت با بزرگسالان متفاوت است؛ هرچند که این تفاوت‌ها شامل همه‌ی جرایم نمی‌شود. این تفاوت‌ها عبارتند از: غیرمادی بودن، توأم با کینه‌جویی و خشم و نفی هنجارهای اجتماعی (سخاوت، ۱۳۸۳: ۷۵). فرض اصلی کوهن بر این است که فرد منحرف و بزهکار و کجرو، آرمان‌ها و اهداف مقبول اجتماعی فرهنگ جامعه را پذیرفته است، ولی به علت شکست و یا عدم فرصت مناسب و کافی برای دستیابی به اهداف مقبول و پسندیده‌ی اجتماعی، دچار محرومیت شده است؛ لذا آرمان‌های موفقیت و اهداف مقبول و متداول جامعه را با ارزش‌ها و هنجارهای دیگر برای به‌دست آوردن منزلت و وجهه جایگزین می‌سازند و در نتیجه، پاره‌فرهنگ بزهکار به وجود می‌آید. بدین وسیله افراد می‌کوشند تا بر مشکلات فائق آیند (کوهن، ۱۹۵۵: ۲۶).

نظریه‌ی فرهنگ طبقه‌ی پایین میلر

میلر در نظریه‌ی فرهنگ طبقه‌ی پایین استدلال می‌کند که بر اثر پیروی از رفتارهای فرهنگی که در بردارنده‌ی عناصر اصلی الگوی کلی فرهنگ طبقه پایین است، خودبه‌خود از برخی از هنجارهای قانونی انحراف به وجود می‌آید. این انحراف، در عمل به صور و اشکال متفاوتی ظاهر می‌شود و هدف همه‌ی آنها کسب وجهه و شهرت است؛ زیرا خرده‌فرهنگ بزهکار، مخالف فرهنگ غالب که فرهنگ طبقه‌ی متوسط است، عمل می‌کند. وی دو عامل را در گرایش دانش‌آموزان طبقه‌ی پایین به بزهکاری مؤثر می‌داند: الف) تمایل به تعلق در گروه همسالان ب)

موقعیت جوانی که از طریق هنجارهای گروهی همسالان به مقام و شهرت دست می‌یابد. بدین ترتیب، وندالیسم نیز چون دیگر اشکال بزهکاری، در چارچوب عناصر اصلی الگوی کلی فرهنگ طبقه‌ی پایین قابل فهم و شناخت است (احمدی، ۱۳۷۷: ۷۶).

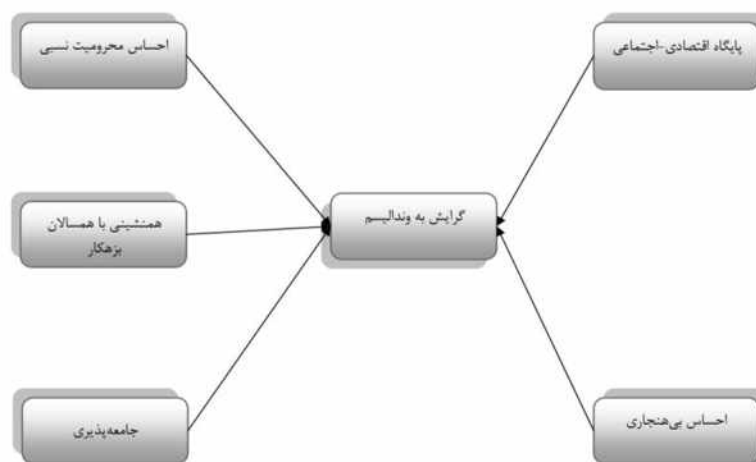
چارچوب نظری تحقیق

براساس نظریه‌ی آنومی و ساختار خانواده، گرایش جوانان به رفتار وندالیستی نتیجه‌ی یک ساختار خانوادگی گسسته است که در آن، خانواده وظایف خود را در قبال فرزندان به خوبی انجام نمی‌دهد؛ به همین علت، فرد به سوی خرابکاری گرایش پیدا می‌کند. رویکرد جامعه‌پذیری عقیده دارد که نوع جامعه‌پذیری فرد در خانواده و جامعه، در بروز رفتار وندالیستی تأثیر دارد. این نظریه‌پردازان بر وابسته‌کردن جوانان به نهادها و سازمان‌های اجتماعی، مانند خانواده و مدرسه تأکید می‌ورزند. با توجه به این نظریات می‌توان گفت که می‌شود دانش‌آموزان را توسط عوامل جامعه‌پذیری - از جمله خانواده، مدرسه و گروه همسالان - با جامعه هم‌نوا کرد و آنها را تحت کنترل قرار داد. بنابراین، این نظریات (آنومی و ساختار خانواده و جامعه‌پذیری)، رابطه‌ی بین جامعه‌پذیری را با رفتار وندالیستی تبیین می‌کنند. نظریه‌ی ناکامی منزلتی کوهن و نظریه‌ی فرهنگ طبقه‌ی پایین میلر معتقدند که عمدتاً رفتار انحرافی در میان افراد طبقه‌ی پایین و محروم جامعه، به علت فشارهای اقتصادی و اجتماعی و نابرابری‌های موجود در جامعه اتفاق می‌افتد. به اعتقاد آنها، اعضای طبقات محروم جامعه، در حوزه‌های فقیرنشین و حاشیه‌ی شهرها سکونت دارند و سطوح زندگی آنها از نظر مسکن، تغذیه، آموزش، بهداشت، سواد، شغل و پایگاه اقتصادی اجتماعی در سطح پایینی قرار دارد. بنابراین، جوانان این طبقه در رسیدن به اهداف خود احساس ناکامی و ناتوانی می‌کنند و در نتیجه، تجربه‌ی چنین محرومیتی باعث می‌شود که برای تأمین نیازهای روانی خود، دست به رفتار انحرافی بزنند. به این ترتیب، بر اساس نظریه‌ی ناکامی منزلتی کوهن، می‌توان رابطه‌ی میان احساس محرومیت با رفتارهای خرابکارانه را و بر اساس نظریه‌ی فرهنگ طبقه‌ی پایین میلر، می‌توان رابطه‌ی بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی با رفتار خرابکارانه را تبیین نمود. همچنین بر اساس نظریه‌ی بی‌هنجاری آنومی، می‌توان رابطه‌ی بین احساس بی‌هنجاری با رفتار خرابکارانه را تبیین نمود و بر اساس نظریه‌ی همنشینی افتراقی ادوین ساترلند، می‌توان رابطه‌ی بین همنشینی با همسالان بزهکار با رفتار خرابکارانه را تبیین کرد.

جدول (۲) تلخیص رویکردهای مطرح در تبیین گرایش به وندالیسم و فرضیات تحقیق بر مبنای استراتژی قیاسی

نظریه	مفهوم اصلی تبیین کننده گرایش به وندالیسم	فرضیه
ناکامی منزلتی کوهن	احساس محرومیت نسبی	بین احساس محرومیت نسبی دانش‌آموزان و گرایش آنان به وندالیسم رابطه وجود دارد.
فرهنگ طبقه‌ی پایین میلر	پایگاه اقتصادی-اجتماعی	بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی دانش‌آموزان و گرایش آنان به وندالیسم رابطه وجود دارد.
بی‌هنجاری آنومی	احساس بی‌هنجاری	بین احساس بی‌هنجاری دانش‌آموزان و گرایش آنان به وندالیسم رابطه وجود دارد.
همنشینی افتراقی ساترلند	همنشینی با همسالان بزهکار	بین میزان همنشینی با همسالان بزهکار و گرایش دانش‌آموزان به وندالیسم رابطه وجود دارد.
نظریه‌ی آنومی و ساختار خانواده و جامعه‌پذیری	جامعه‌پذیری	بین جامعه‌پذیری دانش‌آموزان و گرایش آنان به وندالیسم رابطه وجود دارد.

در مجموع می‌توان گفت در چارچوب نظری این تحقیق، از ترکیبی از نظریات ذکرشده، برای تبیین فرضیات موجود استفاده شده است که در قالب مدل نظری زیر ارائه شده است.



شکل (۱) مدل تحلیلی عوامل مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان به وندالیسم

روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر در زمره‌ی تحقیقات کمی است که از حیث هدف، کاربردی و از حیث ماهیت، توصیفی و تحلیلی و با توجه به معیار زمان، پیمایشی و به‌صورت مقطعی انجام شده است. در این پژوهش، برای جمع‌آوری اطلاعات از دو روش اسنادی و پیمایشی استفاده شده است؛ برای مطالعه‌ی نظریه‌ها و کسب اطلاعات، به منابع و اسناد رجوع شده است و تکنیک استفاده‌شده در بخش میدانی، پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته است.

جامعه‌ی آماری این تحقیق کلیه‌ی دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران در سال ۱۳۹۵ است. برای انتخاب حجم نمونه‌ی تحقیق در بین افراد جامعه‌ی آماری، از فرمول عمومی کوکران استفاده شده است؛ لذا حجم نمونه‌ی تحقیق، طبق فرمول مذکور برابر خواهد شد با:

$$n = \frac{(1.96)^2 0.5 * 0.5}{(0.05)^2} = 384$$

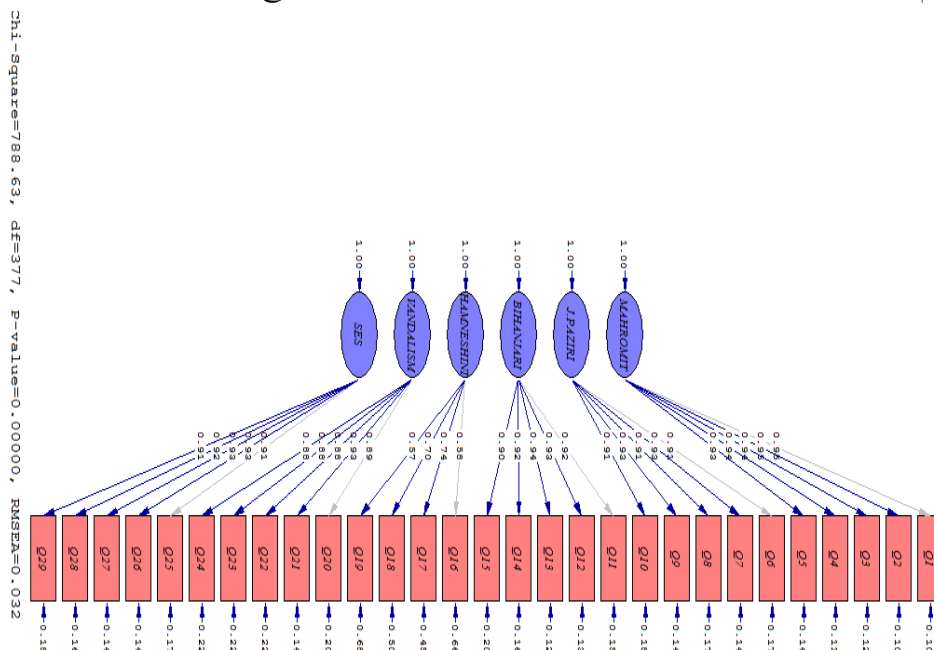
بدین‌ترتیب بر طبق محاسبه‌ی فرمول کوکران، تعداد $n = 384$ نفر به‌عنوان حجم نمونه به دست آمد. پس از انتخاب حجم نمونه، به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای در وهله‌ی اول بر اساس مناطق چندگانه‌ی شهرداری، شهر تهران به ۵ پهنه تقسیم‌بندی شد. مبنای این تقسیم‌بندی بر اساس سطح توسعه‌یافتگی فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی مناطق است (موسایی، ۱۳۸۶)؛ بدین معنا که مناطق ۱، ۲، ۳، ۶ در پهنه‌ی اول، مناطق ۴، ۵، ۱۱، ۲۱، ۲۲ در پهنه‌ی دوم، مناطق ۷، ۱۲، ۱۳، ۱۸ در پهنه‌ی سوم، مناطق ۱۰، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۲۰ در پهنه‌ی چهارم و مناطق ۸، ۹، ۱۷، ۱۹ در پهنه‌ی پنجم قرار دارند. سپس، از هر پهنه یک منطقه به‌شیوه‌ی تصادفی ساده انتخاب گردید (مناطق: ۱، ۵، ۱۳، ۱۶ و ۱۹) و در هر منطقه، به‌صورت تصادفی پرسشنامه توزیع شد و به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته شد.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق، پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته است. برای بررسی پایایی^۱، از آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن در پرسشنامه، برای همه‌ی شاخص‌های تحقیق، بزرگ‌تر از ۰,۷۰ به دست آمد و از آنجاکه مقدار آلفای بیش‌تر از ۰,۷۰ نشان‌دهنده‌ی همبستگی درونی بین متغیرها برای سنجش مفاهیم مورد نظر است، بدین ترتیب می‌توان گفت که ابزارهای سنجش از قابلیت‌اعتماد و یا پایایی لازم برخوردارند.

جدول (۳) ضرایب پایایی متغیرهای مستقل و وابسته

متغیر	آلفای کرونباخ
احساس محرومیت نسبی	۰,۷۸
همنشینی با همسالان بزه‌کار	۰,۷۶
جامعه‌پذیری	۰,۸۱
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	۰,۷۵
احساس بی‌هنجاری	۰,۸۲
گرایش به وندالیسم	۰,۷۸

همچنین برای سنجش روایی^۱ ابزار سنجش، از روایی صوری^۲ (استفاده از نظر کارشناسان و متخصصان ذی‌ربط) استفاده شده است و اصلاح محتوایی و تناسب متغیرها با سؤالات انجام شد. این تحقیق از روایی سازه^۳ نیز بهره برده است؛ زیرا در آن از تحلیل عاملی تأییدی^۴ به کمک نرم افزار مدل‌سازی معادلات ساختاری^۵ لیزرل کمک گرفته شده که نتایج آن به قرار زیر است:



- 1 Validity
- 2 Face Validity
- 3 Construct Validity
- 4 Confirmatory Factor Analysis (CFA)
- 5 Structural Equation Modeling (SEM)

جدول (۴): شاخص‌های برازش مدل سنجش متغیرهای اصلی تحقیق

ردیف	معیارهای برازش مدل	نام اختصاری	مقدار	حد مطلوب	تفسیر
۱	نسبت کای دو به درجه‌ی آزادی	χ^2/df	۲,۰۹	<۳	مطلوب
۲	شاخص نیکویی برازش	GFI	۰,۹۷	>۰,۹۰	مطلوب
۳	شاخص نیکویی برازش تعدیل‌شده	AGFI	۰,۹۵	>۰,۹۰	مطلوب
۳	شاخص برازش هنجارشده	NFI	۰,۹۶	>۰,۹۰	مطلوب
۴	شاخص برازش تطبیقی	CFI	۰,۹۳	>۰,۹۰	مطلوب
۵	ریشه‌ی مجذور مانده‌ها	RMR	۰,۰۴۱	حدود صفر	مطلوب
۶	ریشه‌ی میانگین مربعات خطای تقریب	RMSEA	۰,۰۳۲	<۰,۰۸	مطلوب

با توجه به اینکه تمامی بارهای عاملی مدل سنجش فوق‌الذکر، بالاتر از ۰,۳ و در نتیجه مطلوب می‌باشند و همچنین با توجه به شاخص‌های برازش جدول شماره (۴)، می‌توان گفت معرف‌های انتخاب‌شده برای سنجش شاخص مفاهیم اصلی تحقیق از اعتبار لازم برخوردارند و به خوبی می‌توانند متغیرهای اصلی تحقیق را بسنجند.

تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای تحقیق

در جدول زیر، تعاریف نظری و عملیاتی متغیرهای تحقیق ارائه شده است.

جدول (۵) تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها

مفهوم	تعریف نظری	تعریف عملیاتی
احساس محرومیت	از اختلاف بین آنچه فرد می‌خواهد و انتظار دارد با آنچه به دست می‌آورد و همچنین در مقایسه با دیگرانی که او شرایط خود را با آنها مقایسه می‌کند، ایجاد می‌شود و ممکن است شخص دچار حالتی از احساس محرومیت شود (کوهن، ۲۰۰۵)	در این تحقیق، به وسیله‌ی معرف‌های زیر عملیاتی و موردسنجش قرار گرفت. (۱)وضع زندگی (۲)درآمد (۳)مسکن (۴)تحصیلات (۵)رفاه زندگی
همنشینی با همسالان بزهکار	منظور از متغیر همنشینی با همسالان بزهکار، نشست و برخاست و تعامل دانش‌آموزان با آن دسته از دوستان، همسالان و یا سایر افراد است که سابقه‌ی بزهکاری و یا گرایش‌ات بزهکارانه دارند و شامل همنشینی با افرادی می‌شود که سابقه‌ی فرار از منزل، دزدی، مصرف مواد مخدر ... دارند (مارت، ۲۰۰۸)	همنشینی با همسالان بزهکار، با استفاده از مقیاس ۴ سؤالی اندازه‌گیری شد. این مقیاس توسط پاسکال و همکاران (۲۰۰۳) طراحی شده است و سؤالات آن درباره‌ی ارتباط نوجوانان با همسالانی است که رفتارهایی چون شرکت در نزاع و سوءمصرف مواد مخدر را دارند.

ادامه جدول (۵) تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها

مفهوم	تعریف نظری	تعریف عملیاتی
جامعه‌پذیری	جامعه‌پذیری فرایندی است روانی-اجتماعی که بر پایه‌ی آن، شخصیت اساسی تحت تأثیر محیط، به‌ویژه نهادهای تربیتی، دینی و خانوادگی شکل می‌پذیرد (بیرو، ۱۳۷۵: ۳۶۳)	در این پژوهش، متغیر جامعه‌پذیری از طریق ۵ سؤال در زمینه‌ی نقش الگویی خانواده، تنبیه و تشویق خانواده، حمایت اجتماعی خانواده و ساخت قدرت در خانواده، در دامنه‌ی پنج گزینه‌ای لیکرت (از خیلی کم تا خیلی زیاد) سنجیده شده است.
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	موفقیت و اعتبار فرد در جامعه، با توجه به موقعیت مالی-اجتماعی وی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی او نامیده می‌شود (قائم‌فر و میرزایی، ۱۳۸۸: ۹۸)	در این تحقیق، از طریق معرف‌های تحصیلات والدین، شغل والدین و درآمد ماهیانه‌ی خانواده زیر عملیاتی شده است.
احساس بی‌هنجاری	بی‌هنجاری دلالت بر وضعیتی دارد که در آن، هنجارهای اجتماعی که رفتار فردی را انتظام می‌بخشند، از هم گسیخته‌اند یا تأثیر خود را به‌عنوان قاعده‌ی رفتار از دست داده‌اند؛ به احساس فرد در چنین شرایطی احساس بی‌هنجاری گویند (سلیمانی، نایی، ۱۳۹۱)	در این پژوهش از طریق ۵ سؤال (میزان ابهام و تردید در باورها و عقاید، میزان احساس ضعف در هنجارها و نظام اجتماعی، میزان احساس ضعف در تعهد و وفاداری و...) در قالب طیف لیکرت، از اصلاً (۰) تا خیلی زیاد (۵)، میزان گرایش دانش‌آموزان به وندالیسم عملیاتی شد.
گرایش به وندالیسم	گرایش به تخریب عمدی آثار فرهنگی با ارزش یا اموال عمومی است که یک ناهنجاری اجتماعی به حساب می‌آید (عزیز آبادی فراهانی، ابتهاج، ۱۳۹۱).	در این پژوهش از طریق ۱۰ سؤال (گرایش به تخریب وسایل حمل و نقل عمومی، فضای سبز، دیوارنویسی و...) در قالب طیف لیکرت، از اصلاً (۰) تا خیلی زیاد (۵)، میزان گرایش دانش‌آموزان به وندالیسم عملیاتی شد.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی

سیمای آماری پاسخگویان

از نظر ترکیب جنسی، ۵۱٪ از پاسخگویان پسر و ۴۹٪ دختر هستند؛ از نظر وضعیت تحصیلات، بیشتر پاسخگویان از پایه‌ی سوم دبیرستان (۴۴٪) بوده‌اند. میانگین سنی پاسخگویان جمعیت مورد مطالعه ۱۶ سال است و از نظر پایگاه اقتصادی-اجتماعی نیز بیش از نیمی از افراد (۵۴,۷) از پایگاه متوسطی برخوردارند.

جدول (۵) توزیع نسبی پاسخگویان برحسب ویژگی‌های زمینه‌ای

متغیر	F	%	M	SD	متغیر	F	%	M	SD
دختر	۱۸۷	۴۸,۷			پایه‌ی اول	۷۲	۱۸,۸		
پسر	۱۹۷	۵۱,۳	-	-	پایه‌ی دوم	۸۶	۲۲,۴		
کل	۳۸۴	۱۰۰			پایه‌ی سوم	۱۶۷	۴۳,۵	-	-
					پیش‌دانشگاهی	۵۹	۱۵,۴		
					کل	۳۸۴	۱۰۰		
۱۵ سال	۱۳۲	۳۴,۴							
۱۶ سال	۱۰۰	۲۶							
۱۷ سال	۱۱۰	۲۸,۶	۱۶,۱۴	۱,۷۶					
۱۸ سال	۴۲	۱۱							
کل	۳۸۴	۱۰۰							

یافته‌های توصیفی شاخص‌های تحقیق

بر طبق اطلاعات جدول شماره‌ی (۶)، نتایج توصیفی شاخص‌های تحقیق حاکی از این است که میزان گرایش به رفتار وندالیستی در جمعیت نمونه‌ی تحقیق متوسط روبه‌پایین است، به‌طوری‌که میزان گرایش به رفتار وندالیستی بیش از دو سوم پاسخگویان (۷۸ درصد) متوسط روبه‌پایین ارزیابی شده است. یافته‌های توصیفی متغیرهای مستقل نیز حاکی از این است که میزان احساس

محرومیت نسبی بیش از یک سوم پاسخگویان (۳۹٪) در حد زیاد است و بیش از یک چهارم پاسخگویان (۲۷٪) به میزان زیادی احساس بی‌هنجاری می‌کرده‌اند. فرایند جامعه‌پذیری بیشتر پاسخگویان مطلوب ارزیابی شده است. همنشینی پاسخگویان جمعیت مورد مطالعه با همسالان بزهکار در حد متوسط روبرو بالایی ارزیابی شده است و از نظر فرایند جامعه‌پذیری نیز بیشتر وضعیت بینابینی داشته‌اند.

جدول (۶) توزیع نسبی پاسخگویان برحسب شاخص‌های تحقیق

ردیف	شاخص	کم	متوسط	زیاد	کل
۱	گرایش به رفتار وندالیستی	f	124	85	384
		%	۳۲,۳	۲۲,۱	100
۲	همنشینی با همسالان بزهکار	f	۷۶	۱۸۸	384
		%	۱۹,۸	۴۹	100
۳	احساس محرومیت نسبی	f	۴۳	۱۹۳	384
		%	۱۱,۲	۵۰,۳	100
۴	احساس بی‌هنجاری	f	۱۲۴	۱۵۶	384
		%	۳۲,۳	۴۰,۶	100
۵	جامعه‌پذیری	شاخص	نامطلوب	بینابین	مطلوب
		f	۸۷	۱۸۵	۱۱۲
		%	۲۲,۶	۴۸,۲	۲۹,۲

یافته‌های استنباطی

بررسی روابط بین متغیرهای مستقل و گرایش به رفتار وندالیستی

جدول زیر نتایج آزمون فرضیات تحقیق و رابطه‌ی بین متغیرهای مستقل (احساس محرومیت نسبی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، احساس بی‌هنجاری، همنشینی با همسالان بزهکار و جامعه‌پذیری دانش‌آموزان) با متغیر وابسته (گرایش به رفتار وندالیستی) را به کمک ضریب همبستگی پیرسون، با در نظر گرفتن ملاحظات آماری لازم (کمی بودن مقیاس متغیرها، نرمال بودن توزیع داده‌ها و خطی بودن رابطه‌ی بین متغیرها) سنجیده است. ضرایب همبستگی مندرج در این جدول حاکی از این است که احساس محرومیت نسبی، احساس بی‌هنجاری و همنشینی با

همسالان بزهکار با گرایش به رفتار وندالیستی رابطه‌ی مستقیم و معناداری دارند؛ به این نحو که با افزایش احساس محرومیت نسبی، احساس بی‌هنجاری و همنشینی با همسالان بزهکار در بین دانش‌آموزان، میزان گرایش آنان به رفتار وندالیستی نیز افزایش می‌یابد؛ این در حالی است که دو متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی و جامعه‌پذیری، با گرایش به رفتار وندالیستی رابطه‌ی معکوس و معناداری دارند؛ به‌طوری‌که با افزایش پایگاه اقتصادی-اجتماعی دانش‌آموزان و افزایش مطلوبیت جامعه‌پذیری دانش‌آموزان، میزان گرایش آنان به رفتار وندالیستی نیز کاهش می‌یابد. لازم به ذکر است که جامعه‌پذیری دانش‌آموزان، قوی‌ترین رابطه (۰,۵۹۸-) را با گرایش به رفتار وندالیستی دارد و پس از آن، احساس محرومیت نسبی (۰,۵۴۸) و همنشینی با همسالان بزهکار (۰,۴۹۰) قرار دارند.

جدول (۷): آزمون فرضیات تحقیق و میزان ضریب همبستگی پیرسون

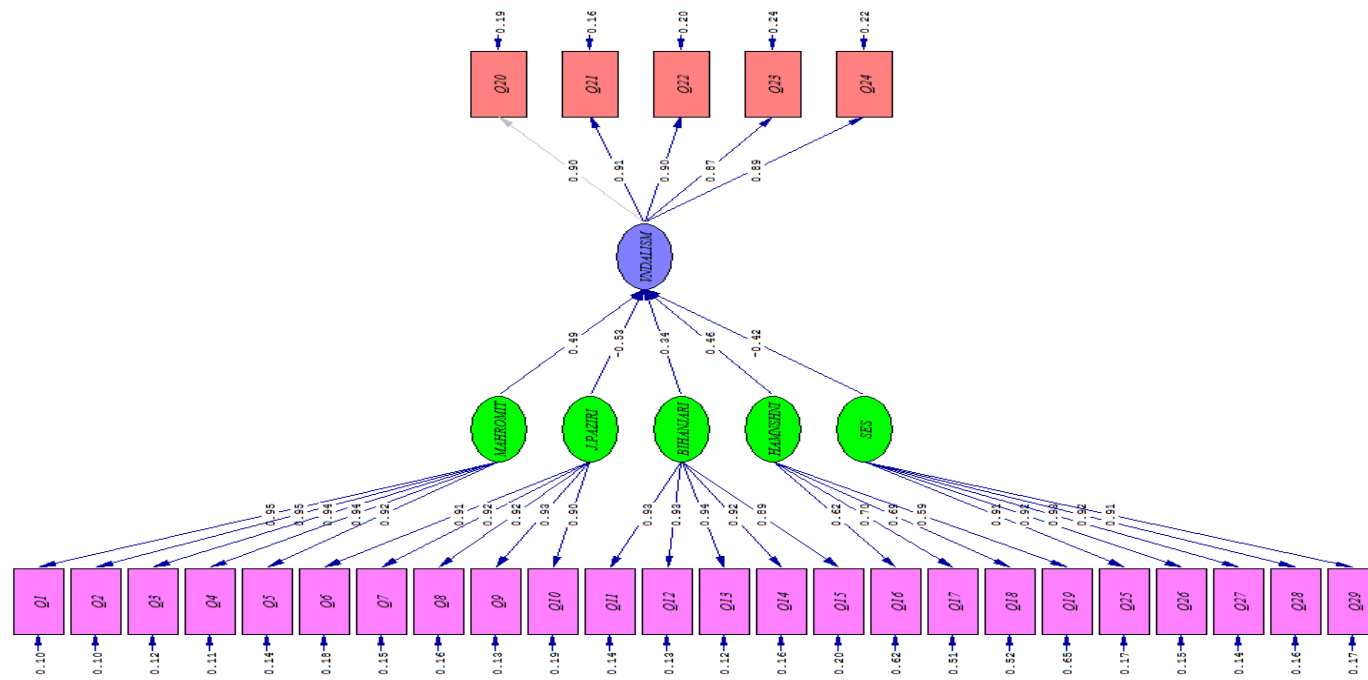
ردیف	فرضیه	ضریب همبستگی پیرسون
۱	رابطه‌ی بین احساس محرومیت نسبی دانش‌آموزان و گرایش آنان به وندالیسم	۰,۵۴۸**
۲	رابطه‌ی بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی دانش‌آموزان و گرایش آنان به وندالیسم	-۰,۴۴۱**
۳	رابطه‌ی بین احساس بی‌هنجاری دانش‌آموزان و گرایش آنان به وندالیسم	۰,۳۸۹**
۴	رابطه‌ی بین همنشینی با همسالان بزهکار و گرایش دانش‌آموزان به وندالیسم	۰,۴۹۰**
۵	رابطه‌ی بین جامعه‌پذیری دانش‌آموزان و گرایش آنان به وندالیسم	-۰,۵۹۸**

**معنادار در سطح ۰,۰۱

مدل معادلات ساختاری

نتایج تحلیل معادلات ساختاری در نمودار زیر منعکس شده است. با توجه به اینکه ضریب معنی‌داری فرضیات مدل همگی تحقیق بالای ۱,۹۶ بوده است، می‌توان گفت همه‌ی فرضیات مدل تأیید می‌شود: احساس محرومیت نسبی (با ضریب ۰,۴۹)، احساس بی‌هنجاری (با ضریب ۰,۳۴) و همنشینی با همسالان بزهکاری (با ضریب ۰,۴۶) تأثیر مستقیم و معناداری بر گرایش دانش‌آموزان بر رفتار وندالیستی دارند، به‌نحوی‌که با افزایش هر یک از متغیرهای مذکور، گرایش

دانش‌آموزان بر رفتار وندالیستی نیز بیشتر می‌شود. همچنین نتایج اجرای مدل مفهومی حاکی از این است که دو متغیر جامعه‌پذیری (با ضریب ۰,۵۳-) و پایگاه اقتصادی-اجتماعی (با ضریب ۰,۴۲-) تأثیر کاهنده بر گرایش دانش‌آموزان بر رفتار وندالیستی دارند.



Chi-Square=441.17, df=362, P-value=0.00275, RMSEA=0.032

مدل (۱): مدل معادله‌ی ساختاری عوامل مؤثر بر گرایش به رفتار وندالیستی (در حالت استاندارد)

جدول (۸): نتایج اجرای مدل ساختاری عوامل مؤثر بر گرایش جوانان به رفتار وندالیستی

فرضیه	مبدأ رابطه:	مقصد رابطه:	ضریب استاندارد (β)	ضریب معنی داری (t-value)	سطح معنی داری (P- Value)	تأیید/رد	ضریب تعیین (R-Square)
H1	احساس محرومیت نسبی	گرایش به رفتار وندالیستی	۰,۴۹	۶,۸۲	۰,۰۰۱	تأیید	۰,۲۴
H2	پایگاه اقتصادی-اجتماعی		-۰,۴۲	-۵,۸۶	۰,۰۰۱	تأیید	
H3	احساس بی‌هنجاری		۰,۳۴	۴,۱۲	۰,۰۰۱	تأیید	
H4	همنشینی با همسالان بزهکار		۰,۴۶	۶,۲۹	۰,۰۰۱	تأیید	
H5	جامعه‌پذیری دانش‌آموزان		-۰,۵۳	-۷,۲۸	۰,۰۰۱	تأیید	

نتایج حاصل از شاخص‌های برازش مدل در جدول شماره‌ی (۹) آمده است که بر اساس آن، مقدار χ^2/df محاسبه شده ۱,۸۰ است؛ وجود χ^2/df کوچکتر از ۳، نشان‌دهنده‌ی برازش مناسب مدل است. همچنین ریشه‌ی خطای میانگین مجزورات تقریب ($RMSEA$) می‌باید کمتر از ۰,۰۸ باشد که در مدل ارائه‌شده، این مقدار برابر ۰,۰۳۲ است. میزان مؤلفه‌های GFI و $AGFI$ و NFI و CFI و IFI و RFI نیز باید بیشتر از ۰,۹۰ باشد که در مدل تحت بررسی، به ترتیب برابر ۰,۹۷ و ۰,۹۵ و ۰,۹۹ و ۰,۹۹ و ۰,۹۸ و ۰,۹۹ است. همچنین مقدار RMR نیز باید کوچکتر از ۰,۰۵ باشد که در مدل تحت بررسی برابر ۰,۰۱۷ است. با توجه به شاخص‌ها و خروجی‌های نرم‌افزار لیزرل می‌توان گفت که داده‌ها نسبتاً با مدل منطبق هستند و شاخص‌های ارائه‌شده نشان‌دهنده‌ی این موضوع‌اند که در مجموع، مدل ارائه‌شده مدل مناسبی است و داده‌های تجربی اصطلاحاً به خوبی با آن منطبق می‌باشند.

جدول (۹) شاخص‌های برازش مدل

ردیف	معیارهای برازش مدل	نام اختصاری	مقدار	حد مطلوب	تفسیر
۱	نسبت کای دو به درجه‌ی آزادی	χ^2/df	۱,۲۱	<۳	مطلوب
۲	شاخص نیکویی برازش	GFI	۰,۹۷	>۰,۹۰	مطلوب
۳	شاخص نیکویی برازش تعدیل‌شده	$AGFI$	۰,۹۵	>۰,۹۰	مطلوب
۳	شاخص برازش هنجارشده	NFI	۰,۹۹	>۰,۹۰	مطلوب
۴	شاخص برازش تطبیقی	CFI	۰,۹۹	>۰,۹۰	مطلوب
۵	شاخص برازش اضافی	IFI	۰,۹۸	>۰,۹۰	مطلوب
۶	شاخص برازش نسبی	RFI	۰,۹۹	>۰,۹۰	مطلوب
۷	ریشه‌ی مجذور مانده‌ها	RMR	۰,۰۱۷	حدود صفر	مطلوب
۸	ریشه‌ی میانگین مربعات خطای تقریب	$RMSEA$	۰,۰۳۲	<۰,۰۸	مطلوب

نتیجه‌گیری

بحث در مورد پدیده‌ی اجتماعی-فرهنگی وندالیسم مبحثی نو و جدید نیست و همان‌طور که از نام آن پیداست، اصطلاح جدیدی نمی‌باشد و مربوط به سال‌ها و حتی قرون گذشته است. این

پدیده‌ی اجتماعی-فرهنگی از جمله عوامل تخریب امکانات و وسایل عمومی در شهرهاست که در چند سال اخیر تحقیقات فراوانی برای تعریف و پیشگیری از آن به عمل آمده است؛ ولی متأسفانه روند رشد آن نه تنها کاهش نیافته است بلکه روزه‌روز بیشتر و فراگیرتر شده و حتی به مناطق روستایی و با تراکم جمعیتی پایین نیز کشیده می‌شود. در پژوهش حاضر که به منظور بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در گرایش دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران به وندالیسم انجام شده است، پس از طی مراحل مقدماتی و مرور پژوهش‌ها و تحقیقات انجام‌شده‌ی داخلی و خارجی و همچنین مرور نظریات مختلف در زمینه‌ی انحرافات اجتماعی، یک رویکرد ترکیبی شامل نظریه‌ی آنومی و ساختار خانواده، رویکرد جامعه‌پذیری، بی‌هنجاری آنومی، ناکامی منزلتی، فرهنگ طبقه‌ی پایین و همنشینی افتراقی برای تبیین این موضوع برگزیده شد و برای تأیید یا رد فرضیات، از طریق پرسشنامه‌ی خودگزارشی در یک نمونه‌ی ۳۸۴ نفری از دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران، داده‌های موردنیاز جمع‌آوری و سپس با استفاده از تکنیک‌های آماری، تجزیه و تحلیل شدند.

یکی از نتایج این پژوهش، رابطه‌ی معکوس بین جامعه‌پذیری با گرایش به رفتار وندالیستی بود؛ در این ارتباط باید گفت جامعه‌پذیری جریانی است که فرد را عملاً با زندگی گروهی همساز می‌کند. فرد جامعه‌پذیر کسی است که بر اثر هم‌نشاندن با هنجارهای گروهی، وظایف گروهی را پذیرفته و راه‌های همکاری را شناخته و بدین سبب دارای رفتاری گروه‌پسند شده است. بنابراین، جامعه می‌کوشد که اعضای جدید خود را در جریان جامعه‌پذیری با موازین مقبول جامعه که همان هنجارها هستند، هم‌نوا کند و باز به همین سبب است که اعضای ناهم‌ساز و هنجارشکن را نابهنجار و کجرو می‌نامد. یکی از عوامل جامعه‌پذیری و از مهمترین آنها، خانواده است. شخصی که کودکی یا نوجوانی خود را نزد کسی غیر از پدر و مادر خود گذرانده است و یا پدر و مادر وی به دلیل طلاق یا فوت یکی از آنها از هم جدا بوده‌اند، یا در خانواده‌ی او همواره درگیری و بحث بوده است، آسیب‌پذیرتر بوده و معمولاً امکان ناسازگاری و گرایش او به انحراف بیشتر است. عامل دیگر جامعه‌پذیری فرد، مدرسه است؛ اگر فرد در مدرسه با ارزش‌های جامعه و ارزش‌هایی که در خانواده به‌عنوان ارزش‌های موردقبول جامعه فراگرفته است، هم‌نوا شود و این ارزش‌ها را درونی کند، امکان گرایش او به رفتارهای انحرافی کاسته می‌شود. از سوی دیگر، همچنانکه که کودکان بزرگتر می‌شوند، وقت بیشتر و بیشتری را در معاشرت با همسالان

خود می‌گذرانند؛ کسانی که از لحاظ سنی و خصوصیات اجتماعی دیگر با نوجوان برابرند، یکی دیگر از عواملی محسوب می‌شوند که در جامعه‌پذیرشدن او نقش دارند. همزمان با افزایش تأثیر گروه همسالان، تأثیر والدین کاهش می‌یابد. کاهش تأثیر والدین به‌ویژه در جوامع نوین صنعتی، یعنی جایی که بسیاری از والدین دور از خانه کار می‌کنند، بیشتر است. تأثیر گروه همسالان، هنگام بلوغ به اوج خود می‌رسد؛ یعنی زمانی که جوانان آمادگی تشکیل خرده‌فرهنگی متمایز از سلیقه‌ها، فعالیت‌های اوقات فراغت، پوشش، زبان مخصوص نمادها، ارزش‌ها و قهرمانی‌های خاص خود است. در این هنگام، کسب محبوبیت و موردپسند واقع شدن یکی از اهداف مهم نوجوانان می‌شود و پذیرش ارزش‌های گروه همسالان به طور وسیعی به پذیرش فرد در آن گروه کمک می‌کند؛ لذا فرد ممکن است برای پذیرش در گروه همسال خود، ارزش‌هایی را بپذیرد که از نظر جامعه موردقبول نباشد و با عمل به آنها منحرف به حساب آید. از این‌روست که نتایج این تحقیق نیز بر رابطه‌ی مستقیم بین همنشینی با همسالان بزهکار و گرایش نوجوانان به وندالیسم اشاره داشته است.

در مورد متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی، این فرضیه موردقبول اکثر محققان است که طبقات اقتصادی-اجتماعی پایین، میزان بیشتری از رفتارهای خرابکارانه را نسبت به طبقات متوسط و بالا مرتکب می‌شوند و تأییدکننده‌ی نتایج کسب‌شده در این پژوهش است. به عبارت دیگر، هرچه فرد پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین‌تری داشته باشد، گرایش به رفتار وندالیستی در او بیشتر است.

یکی دیگر از نتایج این تحقیق، رابطه‌ی مستقیم بین احساس بی‌هنجاری با گرایش به رفتار وندالیستی بود؛ در این ارتباط باید گفت احساس بی‌هنجاری زمانی رخ می‌دهد که فرد، راه مقبول رسیدن به هدف را مسدود می‌داند، بنابراین راهی را انتخاب می‌کند که جامعه آن را نفی کرده است. در نتیجه، احساس بی‌هنجاری نیز به‌عنوان یک متغیر برای تبیین گرایش دانش‌آموزان به رفتار وندالیستی در نظر گرفته شد.

همچنین وجود رابطه‌ی مستقیم بین احساس محرومیت نسبی با گرایش به رفتار وندالیستی، یکی دیگر از نتایج کسب‌شده‌ی پژوهش حاضر است؛ در تبیین احتمالی این یافته‌ی پژوهشی می‌توان گفت هر نوع احساس منفی، خشم را افزایش می‌دهد؛ خشم نیز حس صدمه‌دیدن و بی‌عدالتی را افزایش می‌دهد و همین‌طور تمایل به انتقام را به وجود می‌آورد و افراد را برای عمل

کردن بر می‌انگیزاند و موانع آن را نیز کاهش می‌دهد. احساسات منفی، سطح آسیب احساسی افراد را افزایش داده و به آنها برای کنش نیرو می‌بخشد. احساسات منفی یک حس قدرت فوری و تمایل به انتقام را ایجاد می‌کند. به این دلیل است که احساسات منفی مانند احساس محرومیت نسبی منجر به رفتار بزهکارانه می‌شود.

وقتی فرد احساس محرومیت می‌کند، احتمالاً به خشونت روی می‌آورد؛ چون احساس می‌کند جامعه در مقابل توزیع امکانات، ناعادلانه عمل کرده است؛ از این‌رو گرایش افراد به رفتار وندالیستی نیز بیشتر می‌شود.

پیشنهادهای

- با توجه به اینکه وجود وندالیسم در مدارس انکارناپذیر است و فراگیری آن در سطح جامعه محتمل، بدین ترتیب، این مسئله شایان توجه است. پیشنهاد می‌گردد مسئولان مدارس در ریشه‌یابی این رفتارها اقدامات لازم را انجام داده و راهکارهای عملی ویژه را در مدارس جدی بگیرند. با توجه به اینکه شایع‌ترین نوع رفتارهای تخریبی، هدر دادن وسایل آموزشی مانند گچ، پاک‌کن، ماژیک، خط‌کشیدن روی میز و صندلی و دیوارها یا کندن گچ دیوارها، نوشتن مطلب در مجلات و کتاب‌های کتابخانه، نوشتن یادگاری روی تنه‌ی درختان و کندن بوته‌ها در مدرسه بوده است، مسئولان مدرسه اطلاع داشته باشند که این گونه رفتارها بیشتر مورد حمله دانش‌آموزان قرار می‌گیرند.

- با توجه به یافته‌های تحلیلی، پیشنهاد می‌گردد به خواسته‌ها و نیازهای جوانان از طرف خانواده و مسئولان مدرسه توجه زیادی شود؛ حتی مسئولان مدارس سعی کنند از پیشنهادات و انتقادات دانش‌آموزان استقبال نموده و برنامه‌های آموزشی و اردوهای علمی-تفریحی را جهت تشویق دانش‌آموزان در امر تحصیل برگزار کنند. همچنین مسئولان مدرسه و خانواده‌ی نوجوانان، روحیه‌ی مسئولیت‌پذیری و رعایت مقررات مدرسه و جامعه را در آنان تقویت کنند. تقویت گستره‌ی شبکه‌ی ارتباطی در مدرسه و پیوندهای اجتماعی، باعث می‌شود نوجوانان نسبت به محیط مدرسه احساس بیگانگی نکنند و احساساتی چون بی‌معنایی، بیزاری، تنفر و بی‌هنجاری در بین آنها کاسته شود.

- پیشنهاد می‌شود دستورات و ضمانت‌های قانونی تنظیم گردد که با جریمه‌ی فوری افراد خرابکار و بازخواست آنها، احتمال روآوری مجدد آنها به تخریب اموال مدرسه کاهش یابد.

- مسئولان مدرسه در برنامه‌های آموزشی، دانش‌آموزان را نسبت به پیامدهای رفتارهایشان، به‌ویژه رفتارهای تخریبی، آگاه کنند؛ چراکه اگر آگاهی دانش‌آموزان افزایش پیدا کند، پیامدهای احتمالی ناشی از رفتار تخریبی را موردتوجه قرار می‌دهند و در نتیجه به رفتارهای تخریبی روی نمی‌آورند. این امر، آگاهی وندال‌های بالقوه را نیز نسبت به خسارت‌ها و دیگر پیامدهای ناشی از رفتارهای وندالیستی افزایش داده و مانع بالفعل شدن این گرایش می‌شود.
- تحقق اهداف دانش‌آموزان در سن نوجوانی بیشتر توسط خانواده‌ها امکان‌پذیر می‌شود و شرایط ناکام‌کننده چندان به چشم نمی‌خورد. این مهم، با افزایش سن وجوه متفاوتی دارد و میزان ناکامی بالا می‌رود که این خود به احساس بیگانگی فرد نیز دامن می‌زند. از این‌رو خانواده‌ها سعی کنند در تحقق امکانات موفقیت در آینده برای نوجوانان موفق‌تر عمل کنند که بر همین سیاق، بیشتر می‌توانند نوجوانان و جوانان را با جامعه هم‌نوا سازند. در حالی‌که خانواده‌هایی که چنین توانایی را ندارند کمتر می‌توانند از نوجوانان خود انتظار هم‌نوايي داشته باشند. با وجود این، مراقبت و کمک‌های روانشناختی بیشتر، می‌تواند یارای نوجوانان در سن خطر باشد.
- پژوهش حاضر یک بررسی مقدماتی برای تبیین برخی عوامل مؤثر بر وندالیسم است. تأکید محققین در تحقیق حاضر بر متغیرهای احساس محرومیت نسبی، احساس بی‌هنجاری، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، جامعه‌پذیری و همنشینی با افراد بزه‌کار می‌باشد و مشخص شد که این متغیرها، یک چهارم تغییرات گرایش دانش‌آموزان به رفتارهای وندالیستی را تبیین نموده‌اند؛ لذا مسلماً متغیرهای دیگری نیز می‌توانند گرایش دانش‌آموزان به رفتارهای وندالیستی را تبیین نمایند که بررسی آنها نیازمند تحقیقات گسترده‌تر و جامع‌تری است.
- یکی از شیوه‌های تشخیص عوامل مؤثر و کلیدی بر وندالیسم، مقایسه‌ی این عوامل در بین دو گروه متفاوت، یعنی گروه آزمایشی و کنترل است؛ پیشنهاد می‌شود در تحقیق دیگری، عوامل در بین دو گروه تخریب‌گر و غیرتخریب‌گر مورد تحلیل و مذاقه قرار گیرد.
- با توجه به اینکه اکثر تحقیقات انجام‌شده در این موضوع در ایران، با استفاده از روش کمی بوده است و تحقیقات کیفی به‌ندرت به چشم می‌خورد، پیشنهاد می‌شود برای بررسی دقیق ابعاد پدیده‌ی «وندالیسم» و عوامل مؤثر بر آن، تحقیقات بعدی به صورت کیفی - با سودجستن از روش‌های بحث گروهی و مصاحبه‌های عمیق با افراد وندال - انجام شود.

منابع

- آرون، ریمون (۱۳۷۷). مراحل اساسی سیر اندیشه‌ی جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی باثر پرهام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم.
- احمدی، حبیب (۱۳۷۷). نظریه‌های انحرافات اجتماعی، شیراز، انتشارات زر.
- ارجمند سیاهپوش، اسحق، حیدرآبادی، ابوالقاسم و ارجمند سیاهپوش، بهاره (۱۳۹۲). نقش عوامل اجتماعی در تبیین رفتارهای وندالیستی دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه‌ی شهر اندیمشک (با تأکید بر امنیت اجتماعی)، فصلنامه‌ی مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال سوم، شماره‌ی نهم. ص ۴۶-۲۳.
- بخاری، احمد (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، تهران: انتشارات پژواک جامعه.
- حیدری، اسلام، پارسامهر، مهربان (۱۳۹۱). بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر وندالیسم، فصلنامه‌ی جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و سوم، شماره‌ی پیاپی ۴۷، شماره‌ی سوم.
- سخاوت، جعفر (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- شکرریزی، زهرا (۱۳۷۶). وندالیسم (تخریب آگاهانه‌ی اموال عمومی)، رساله‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و تحقیقات مرکز.
- علاقه‌بند، علی (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران: نشر روان.
- علیوردی‌نیا، اکبر، شارع‌پور، محمود و رحمانی، سحر (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر وندالیسم دانشجویان از دیدگاه نظریه‌ی فشار عمومی اگنیو، فصلنامه‌ی پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال دوم، شماره‌ی ۳.
- کوئن، بروس (۱۳۷۲). مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.
- گود، ویلیام (۱۳۵۲). جامعه و خانواده، ترجمه‌ی ویدا ناصحی، تهران: نشر کتاب.
- محبی، حسین (۱۳۸۲). بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر خرابکاری به‌عنوان مقدمه‌ی رفتار بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهرستان زرین‌دشت، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳). وندالیسم، تهران: انتشارات آن.
- مطلق، معصومه، نادری، ساجده (۱۳۹۲). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان پسر به وندالیسم در محیط مدارس، فصلنامه‌ی مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال چهاردهم، شماره‌ی دهم.

- میرفردی، اصغر، احمدی، سیروس و نیکخواه، زهرا (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به وندالیسم در بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهر یاسوج، فصلنامه‌ی جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و سوم، شماره‌ی پیاپی (۴۷)، شماره‌ی سوم.
- نواح، عبدالرضا، کوپایی، محمدباقر (۱۳۹۱). عوامل اجتماعی و شخصیتی مؤثر بر گرایش به وندالیسم (خرابکاری) در بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهر اهواز، مجله‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی ایران، سال چهارم، شماره‌ی دوم.

- Cohen, A. (1955), *Delinquency Boys, The culture of the gang* New York: The Free Press
- Jeb, A & Amy, F. & Sean, p (2009), *Social control- serious delinquency and risky behavior*, *Journal of crime & delinquency*, p. 423.
- Garth Esau Vernon (2007), *The Influence of Vandalism in Schools on Learners Academic Performance*, *Magister Educations in The Faculty of Education at The Nelson Mandela Metropolitan University*, Supervisor: A. J. Grayling.
- M.Lubuva, John and Anna Mtani (2004), "Urban Space and Security: A Case of the Dar es Salaam", *Safety Audits for Women, Dar es Salaam*,
- Tanzania, 13-17. "Making Safer Places, Women's Safety in our Cities", *National Conference*, Conference Report, London, 18 th November 2005.